

تحلیل فضایی فقر روستایی در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان پاکدشت با استفاده از روش‌های خودهمبستگی فضایی

گیتی صلاحی اصفهانی* - استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
علی ایرانشاهی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
سید رامین غفاری - دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
مصطفی تالشی - دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

فقر واقعیتی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی سیاسی است که از دیرباز از بزرگ‌ترین مشکلات انسان بوده است و در حال حاضر نیز جامعه بشری، علی‌رغم تحولات بسیار عظیمی که در زمینه‌های مختلف علوم روی داده، با آن روبرو می‌باشد. تحقیق حاضر از نوع کاربردی و رویکرد حاکم بر آن در این پژوهش توصیفی و تحلیلی است و بر پایه مطالعات انجام‌شده در این زمینه و تحلیل محتوی مبانی نظری و استخراج شاخص‌های تعدیل فقر از یک سو و از سوی دیگر با تکیه بر نظرات کارشناسان ذی‌ربط، با بهره‌گیری از مدل دلفی و استفاده از ابزار مصاحبه عمیق، پرسشنامه و همچنین استفاده از نرم افزار SPSS در تحلیل‌های آماری و ابزار GEODA TM ARC-GIS و تحلیل‌های آمار فضایی انتخاب شده‌است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد ۸ روستا در طیف فقر خیلی زیاد، ۲۱ روستا در طیف زیاد، ۸ روستا در طیف متوسط، ۵ روستا در طیف کم و ۵ روستا در طیف خیلی کم قرار گرفتند. همچنین نتایج نشان می‌دهد ۳ خوشه سرد: فقر روستایی پایین (LL)، و ۵ خوشه داغ فقر روستایی بالا (HH) در منطقه شناسایی گردید که بزرگترین لکه داغ در جنوب شرق شهرستان و در نزدیکی سمنان قرار دارد و روستاهای قرار گرفته در این لکه دارای فقر روستایی بالایی هستند و در مجاور همدیگر قرار گرفته‌اند و بزرگترین لکه سرد شمال غرب شهرستان و در نزدیکی شهرستان تهران و ری قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: فقر روستایی، تحلیل فضایی، شهرستان پاکدشت، خودهمبستگی فضایی

Spatial Analysis of Rural Poverty in Rural Settlements of Pakdasht County Using Spatial Autocorrelation Methods

Abstract

Poverty is a social, economic, political, cultural and political phenomenon that has long been the greatest of human problems, and human society, in spite of the tremendous changes that has taken place in various fields of science, is now struggling with. The present research is applied in a descriptive and analytical manner and is based on the studies conducted in this field and the analysis of the content of theoretical foundations and the extraction of indicators of poverty reduction on the one hand, and on the other hand, relying on the opinions of the relevant experts Using the Delphi model and the use of deep interviewing tools, the questionnaire, as well as the use of SPSS software in the statistical analyzes and ARC-GIS, GEODA TM and spatial statistics analysis were selected. The analysis shows that 8 villages in the high poverty range, 21 villages in a wide range, 8 in the medium range, 5 in low and 5 in the low range. The results also show that 3 cold clusters (LLL) and 5 hot clusters (HH) were identified in the region, which is the largest hot spot in the southeast of the city near Semnan and is located in villages In this spot, there is a high rural poverty and are adjacent to each other and is the largest cold spot in the northwest of the city and near the city of Tehran and Ray.

Key words: rural poverty, spatial analysis, Pakdasht city, spatial dependency

مقدمه

فقر از پدیده‌های نامطلوبی است که از آغاز زندگی بشر در این کره خاکی با وی قرین و هم نشین بوده است. پدیده فقرهنگامی که از نسلی به نسل دیگر تداوم یابد، ریشه دوانده و به صورت یک فرهنگ تبدیل شده و به عنوان مانعی پایدار در مقابل توسعه می گردد. فقر واقعیتی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی سیاسی است که از دیر باز از بزرگ ترین مشکلات انسان بوده است و در حال حاضر نیز جامعه بشری، علی رغم تحولات بسیار عظیمی که در زمینه‌های مختلف علوم روی داده است، با این پدیده شوم دست و پنجه نرم می‌کند. فقر ناشی از محرومیت مادی نیست، بلکه به طور عمده پدیده‌ای اجتماعی است که موجب می‌شود اشخاص فقیر از ظرفیت و توانایی خویش درک صحیحی نداشته باشند. فقر از زوایای گوناگونی چون فلسفی، علمی، ادبی، هنری و دینی قابل بررسی و تعریف است. این پدیده شوم چهره کره خود را در اختلاف طبقاتی افراد مختلف یک جامعه بیشتر نمایان می‌سازد. در اوایل هزاره سوم، فقر و توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت به عنوان یکی از مهم ترین معضلات بشر خود را نمایانده و بسیاری از دولت‌های ملی و نهادهای بین المللی را به چالش فراخوانده است. از ۶ میلیارد نفر جمعیت جهان در سال حدود ۲٫۸ میلیارد نفر (تقریباً نیمی از جمعیت جهان) با درآمد کمتر از ۲ دلار در روز و حدود ۱٫۲ میلیارد نفر (حدود ۲۰ درصد از جمعیت جهان) با درآمدی کمتر از یک دلار در روز زندگی می کردند. آمارها نشان میدهد، فقر طی دهه‌های اخیر افزایش یافته است. ۴۰ درصد از فقیرترین جمعیت جهان، تنها دارای پنج درصد از درآمدهای جهانی می باشند. از سویی دیگر ۲۰ درصد جمعیت افراد ثروتمند، ۷۵ درصد کل درآمد جهان را در اختیار دارند (UNDP, P.82006). فقدان امکانات، فقر را رنج نمی‌دهد، بلکه عدم حضور در جامعه و مشارکت‌ها، احساس شرم در مقابل خواسته‌های فرزندان و ناامیدی، مهمترین مشکلاتی هستند که بیشتر از گرسنگی فقرا را رنج می دهد بنابراین با توجه به موارد گفته شده می توان گفت فقر پدیده ای چند بعدی است؛ یعنی نه تنها شامل بعد اقتصادی برای ارضای نیازهای اساسی می شود، بلکه شامل بعد انسانی، فیزیکی، زیست محیطی، اجتماعی و سیاسی نیز هست (Zeller, and et al, 2006, P.54). بررسی‌های مربوط به آمار فقر نشان می دهد که همچنان

۱٫۶ میلیارد نفر از جمعیت جهان با درآمد کمتر از ۱٫۲۵ دلار در روز زندگی می‌کنند و یک میلیارد نفر از جمعیت جهان هم از گرسنگی رنج می برند. از دهه‌های پایانی قرن بیستم توجه به فقر زدایی مورد توجه قرار گرفت و حمایت‌های جدی سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن باعث شد در اکثر کشورهای جهان این موضوع در دستورکار دولتها قرار گیرد. در همین راستا سازمان ملل دهه ۱۹۹۰ را دهه ریشه‌کنی فقر نام‌گذاری کرد. اعضای اسکاپ (کمیسیون اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد در آسیا و اقیانوسیه که ایران هم در آن عضویت دارد) متعهد شدند اقدامات لازم برای ریشه‌کنی فقر را تا سال ۲۰۱۰ انجام دهند. با این حال اطلاعات موجود بازگویی آن است به زعم این بسیج بین المللی نتایج مهمی بدست نیامده و فقرای جهان در حال افزایش است. در این میان حداقل ۷۰ درصد از جمعیت کل فقیر جهان ساکن نواحی روستایی می باشند بر اساس همین گزارش از هر چهار نفر کسانی که در جهان امروز دچار گرسنگی اند، سه نفر در نقاط روستایی زندگی می‌کنند و کشاورزان خرده پا بیشترین در صد از مردم گرسنه جهان را تشکیل می‌دهند. آمارهای مذکور، تاییدی بر ادامه فقر در جوامع روستایی می‌باشد (IFADT, P.10,2011). افزایش رفاه اقتصادی مردم و کاهش فقر یکی از اهداف اصلی برنامه‌های توسعه اقتصادی در هر کشوری است و مسئله مهم و هدف غایی در این رهگذر مبارزه با فقر و کاهش فقرا بویژه در مناطق روستایی می‌باشد. تمام کشورهای دنیا از جمله ایران در اینخصوص و در راستای افزایش سطح رفاه و آسایش مردم خود و در ادامه نیل به توسعه پایدار، برنامه‌ها، اقدامات و تلاشهای فراوانی در جهت ریشه‌کنی فقر انجام داده اند. فقرزدایی و مبارزه با فقر و حمایت از اقشار فقیر همواره به عنوان اهداف عالی در آموزه‌های دینی نیز مطرح بوده و مبارزه با آن به صورت سنتی و خودجوش و بر اساس تعالیم اسلام صورت می گرفته است. در این راستا همواره جوامع محلی در میان خود تشکیلاتی داشته اند تا بتوانند نیازهای افراد فقیر منطقه را برآورده سازند، اما با گذشت زمان و تحولات به وجود آمده در ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه و پیچیده تر شدن ابعاد آن، به تدریج این سنت به ویژه در شهرها رنگ باخته و به رویکردهای نوین نیازمند است. پس از انقلاب اسلامی گرایش به رشد اقتصادی فراگیر همراه با عدالت اجتماعی در دستور کار دولت

وقت قرار گرفت و عدالت اجتماعی و کاهش فقر از شعارهای محوری انقلاب بود و در این چارچوب برخی اقدامات حمایتی برای زدودن این معضل طراحی شد و به اجرا درآمد. افزایش امکانات آموزشی، برق رسانی، خدمات سازندگی و ترویجی برای روستاها، تعمیم بیمه همگانی و ایجاد زیربناها از جمله این اقدامات بود که برای کاهش فقر و توزیع عادلانه ثروت در کشور اجرا شد. با وجود این، به دلایل مختلف از جمله وقوع جنگ تحمیلی، رکود اقتصادی، تحولات جمعیتی، ضعف‌های اجرایی و همچنین عدم هماهنگی بین دستگاه‌ها، شفاف نبودن حمایت و کارکرد دوگانه و چندگانه برخی نهادهای حمایتی، ساختار تشکیلاتی چندلایه (اصطلاحاً عمودی) و ناکارآمد و بوروکراسی اداری در دستگاه‌های حمایتی برای مبارزه با فقر از جمله عواملی هستند که باعث تداوم فقر و نابرابری در کشور و رنج شهروندان از این عارضه شده است. در سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران ویژگیهای مختلف ایران در افق سال ۱۴۰۴ هجری شمسی مطرح شده است. بخشی از این ویژگیها عبارت است از: ایرانی برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب درآمد و به دور از فقر و فساد. همچنین در مواد مختلف برنامه چهارم توسعه، دولت موظف به اقداماتی در جهت بهبود زندگی گروههای کم درآمد شده است. بنابر ماده ۸۴ برنامه ششم دربارهٔ ایجاد امنیت غذا و تغذیه، دولت موظف به تشکیل شورای عالی سلامت و امنیت غذایی، تخصیص منابع برای یارانه مواد غذایی، تهیه برنامه جهت ایمنی غذا و کاهش ضایعات مواد غذایی شده است. ماده ۹۰ بر اقداماتی جهت دسترسی عادلانه مردم به خدمات بهداشتی و درمانی تأکید دارد. ماده ۹۵ به استقرار عدالت، کاهش فقر و محرومیت و توانمندسازی فقرا از طریق تخصیص کار آمد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و تدوین برنامه جامع فقرزدایی تأکید دارد (خداداد کاشی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۴۹). همچنین که به آن اشاره شد، فقر در مناطق روستایی در دوران پس از انقلاب نیز ادامه داشته است و هنوز هم از معضلات مناطق روستایی است. باید توجه داشت که وجود فقر همه جانبه در این مناطق باعث میشود که ارائه راه حل برای آن با مشکلات زیادی مواجه شود. در روند رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه توجه به عدالت اجتماعی اجتناب ناپذیر است و مسلماً برای رسیدن به توسعه پایدار در ایران،

چاره‌ای جز فقرزدایی نیست زیرا آسیب پذیری فرد در جامعه دارای پیامدهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی منفی می باشد که کل جامعه را تحت تاثیر قرار خواهد داد. با نگاهی گذرا به ادبیات تحقیق میتوان دریافت که راهکارهای بسیار متنوع و گوناگونی برای کاهش فقر در ابعاد جهانی، ملی و منطقه ای ارائه شده است. هر کدام از این راهکارها، بر روشی خاص و نگاهی خاص به مسئله فقر تکیه دارد و نقطه شروع کاهش فقر را در جایی متفاوت در نظر دارد. در ایران اگر چه اقدامات مربوط به تأمین اجتماعی و حمایت از فقرا و آسیب پذیران روستایی سابقه‌ای دست کم ۴۰ ساله دارد اما دستاوردهای برنامه‌ها از حیث کاهش فقر و آسیب پذیری در آمدی در نقاط روستایی کشور در خور توجه نیست در نتیجه پیش شرط اساسی توفیق در برنامه‌های کاهش فقر انجام مطالعات علمی و روشمند برای شناخت، تحلیل فقر و ارائه الگوی تعدیل فقر است. تعداد زیادی از فقرا و گرسنگان در نواحی روستایی زندگی می‌کنند بنابراین می‌توان گفت توفیق در برنامه‌های فقر زدایی مستلزم گسترش مطالعات علمی فقر شناسی در نواحی روستایی و کوشش مستمر برای ارتقای کمی و کیفی این مطالعات است (زاهدی مازندرانی و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۹۸). سرعت بسیار زیاد شهری شدن در دوران قبل از انقلاب اسلامی و حتی بعد از آن که شدت بیشتری گرفت، باعث گردیده طی ۴۰ سال گذشته جمعیت روستایی ایران، از ۸۰ درصد به ۳۰ درصد جمعیت کل کشور برسد. این مسئله تا حدودی ناشی از فقر روستایی و تشدید این مشکل بوده است (خالدی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۶۷). رشد شتابان شهرنشینی طی چهار دهه اخیر سبب شده است که فضای فیزیکی - کالبدی شهرها گسترش یافته و ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و کالبدی سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهرها را نیز مورد تهدید قرار دهد. این تهدید به ویژه در مورد کلانشهرها، خصوصاً تهران و شهرهای بزرگ و متوسط جدی است. بنابراین هر سکونتگاه روستایی که در حاشیه و پیرامون اینگونه مراکز شهری استقرار یافته باشد در معرض مشکلات جدی قرار گرفته و با چالشی دوسویه روبرو می باشد:

۱- به دلیل عدم خدمات رسانی و فقدان برنامه ریزی مناسب و جامع، روستاهای پیرامونی شهرها به خصوص کلان شهرها و شهرهای بزرگ ظرفیت تبدیل به اسکان غیررسمی و حاشیه نشینی و در پی آن افزایش

فقر را دارد.

۲- متأثر از تحولات اقتصادی و اجتماعی و نیروهای بیرونی، کالبد و ساختار درونی روستا در معرض فروپاشی و از هم گسیختگی ساختاری- کارکردی قرار خواهد گرفت.

روستاهای واقع در پیرامون کلانشهرها به دلیل نزدیکی مکانی و وابستگی فضایی- کالبدی با شهر از امکانات، محدودیت ها، فرصتها و چالش‌های متعددی برخوردار می باشند که در دیگر روستاهای کشور به چنین شدتی وجود ندارد. استقرار در پیرامون کلانشهر و بهره مندی از شبکه ارتباطی مناسب استفاده از زیرساختها و خدمات شهری بویژه در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی برای اینگونه از روستاها را امکان پذیر می‌کند. فرصتهای شغلی، عمدتاً در بخش خدمات، زمینه تأمین درآمد و کار را برای ساکنین روستاهای واقع در پیرامون کلانشهرها، فراهم آورده است، به گونه ای که گروهی از این روستاها، کارکردی «خوابگاهی» یافته‌اند. اغلب روستائیان روزها در شهر به کارگری ساختمانی و کارگاههای صنعتی و یا مشاغل خدماتی اشتغال دارند و شبها در روستاهای پیرامونی به سر می‌برند. در این میان عامل مهاجرت از روستا به شهر، بویژه در مورد روستاهای خوابگاهی که در پیرامون کلانشهرها و شهرهای صنعتی قرار دارند، تأثیر تعیین‌کننده دارد. مهاجرین کنده از روستاهای دوردست که به امید یافتن شغل به شهرهای بزرگ و صنعتی مهاجرت می کنند، چون به دلیل گرانی زمین و مسکن نمی توانند در بافت درونی و متن شهر سکونت کنند، لاجرم به دنبال زمین و مسکن ارزان و احتمالاً بدور از محدودیت‌های قانونی و مقرراتی ساخت و سازهای شهری، به روستاهای پیرامون کلانشهر پناه می برند که به دلیل کمبود ظرفیتها و ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و کالبدی مورد نیاز در اینگونه سکونتگاههای روستایی باعث افزایش فقر شده است (اسکندری، ۱۳۹۴، ص ۱۵). در این راستا شناخت عوامل مؤثر بر فقر و ارائه الگوی بهینه تعدیل فقر، از ضروریات برنامه‌های فقرزدایی برای شکستن تعادل فقر و گسستن زنجیره‌های تطابق و سازگاری با آن می‌باشد؛ چراکه عدم شناخت صحیح عوامل مؤثر بر فقر و عدم ارائه الگوی مناسب و بهینه در مناطق و میان گروه‌های مختلف جامعه و همچنین عوامل تشدیدکننده و یا تخفیف‌دهنده آن، در

برنامه‌های فقرزدایی، باعث سیاستگذاری‌های نامناسب، اتلاف منابع کمیاب اقتصادی، عقیم ماندن تلاش‌ها و برنامه‌ها و تداوم فقر و ممانعت از توسعه پایدار کشور می‌گردد. بنابراین، شناخت صحیح عوامل مؤثر و الگوی تعدیل فقر، به‌عنوان راهنمایی مناسب برای تدوین برنامه‌های فقرزدایی و ارائه الگوی بهینه تعدیل فقر و در پی آن استفاده بهینه از منابع برای کاهش فقر و محرومیت در کشور باشد. بررسی و تحلیل همه جانبه فقر روستایی بدون نگاه به ابعاد اجتماعی، اقتصادی، محیطی، فرهنگی و کالبدی آن و همچنین بدون واکاوی فضایی روابط و پیوندهای کانون‌های فقیرنشین روستایی با یکدیگر و با شهرهای مجاور آنها در راستای نیل به توسعه انسانی و پس از آن ارائه الگوی تعدیل فقر در راستای توسعه روستایی، امکانپذیر نمی باشد. شهرستان پاکدشت در جنوب شرقی تهران و در فاصله حدوداً ۳۰ کیلومتری تهران دارای ۴۷ روستا می باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این شهرستان به دلیل نزدیکی به تهران و همچنین ارزانی زمین و مسکن نسبت به تهران، پذیرای مهاجرین سایر نقاط کشور می باشد که به مقصد تهران کوچ نموده اند. عمده فعالیت روستائیان این منطقه کشاورزی و اشتغال در بخش خدمات پایتخت می باشد که به دلیل خشکسالی‌های سالهای اخیر و همچنین فقدان معیشت پایدار روستائیان و از طرفی کمبود امکانات و زیرساخت‌های عمرانی، خدماتی، بهداشتی و... باعث بروز مشکلات عدیده‌ای در روستاهای پاکدشت شده است (گزارش فرمانداری پاکدشت، ۱۳۹۳). این شهرستان همچون دیگر شهرستانهای واقع در منطقه کلان شهری تهران، با پدیده‌های پیرامون شهرنشینی و اثرات آن مانند افت شتابان محیطی، دگرگونی بدون برنامه کاربرد زمین، کمبودهای شدید خدماتی و نیازهای پاسخ داده نشده و فقر روستایی مواجه می باشد. روستاهای پیرامون کلانشهر تهران (که بیشتر محل سکونت گروه‌های درآمدی پایینتر یعنی گروهی که بیش از گروه‌های درآمدی از اثرات منفی مجاورت شهرها و روستاها صدمه منفی می‌بینند) به دلیل واقع شدن در حوزه کلان شهری تهران دارای ویژگی‌هایی مانند مهاجرپذیری، توسعه شهرک‌ها و روستاهای خوابگاهی، نامشخص بودن مرز شهر و روستا، آمیختگی اجتماعی و قومیتی و فقر هستند. صدمات و خطرات ناشی از همجواریها و شرایط نامناسب بر سلامتی انسان ساکن در این روستاها را میتواند خطرهای کالبدی مربوط

به سکونت در مسکن نامناسب و ناامن، نبود بهداشت محیط لازم و کافی، محرومیت از انواع خدمات رفاهی و تسهیلات زیربنایی، دانست. برآیند تمامی این مشکلات، شکل گیری نابرابری اقتصادی اجتماعی، کیفیت نازل زندگی و در نهایت فقر نسبی در این روستاها است. در مجموع عواملی همچون عدم خدمات رسانی و فقدان برنامه ریزی مناسب و جامع برای روستاهای پاکدشت، تخریب زمینهای کشاورزی و باغات، محدودیتها و زیانهای ایجاد شده کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی خاص از یکسو و از سوی دیگر تغییر ماهیت ساختار معیشت روستاها به دلیل تأثیر همجواری با کلانشهر تهران و اضمحلال روستاهای پیرامون، ساختار اقتصادی به دلیل تبعیت از فرآیندهای اقتصادی کلانشهر تهران باعث تشدید فقر در روستاهای پاکدشت شده است.

بنابراین به دلیل رشد جمعیت روستاهای پاکدشت پیرامون کلانشهر تهران از یک طرف و از طرف دیگر عدم خدمات رسانی لازم به این روستاها و فقدان زیرساختها و ساختارهای مورد نیاز روستائیان در حوزههای مختلف بویژه حوزه اقتصادی و اشتغال باعث رشد فقر و گسترش آن در این سکونتگاههای روستایی شده است. ادامه چنین وضعیتی در حال حاضر باعث افزایش چالشهای و مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در پیرامون کلانشهر تهران شده است که از جهت بروز ناامنیهای اجتماعی و سایر تبعات مترتب بر گسترش فقر در این مناطق، لزوم توجه به این موضوع را اجتناب پذیر نموده است. در این پژوهش تلاش گردیده است ابعاد مختلف فقر از طریق شناخت الگوی توزیع مکانی- فضایی گستره های فقر در سکونتگاههای روستایی شهرستان پاکدشت بر اساس مولفه های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و اکولوژیکی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و با استفاده از روش های خودهمبستگی فضایی به ارائه مدل سازی فقر در منطقه جهت استخراج روابط فضایی فقر عینی و ذهنی پرداخته شود.

مبانی نظری

تعریف و مفهوم فقر

مطالعه متون نشان می دهد که تعاریف مختلفی از فقر ارائه شده است ولی در بسیاری از کتابها و مقالات مشخص نشده است که فقر چیست. نویسندگان این آثار،

دانستن تعریف فقر را برای خود و خوانندگان مسلم فرض کرده اند و پنداشته اند می دانند که بحث در مورد چه چیزی است در حالی که واژه فقر بسیار گیج کننده و مبهم است (Hazlitt, 2012, P.31). در تعریف فقر همواره اختلاف نظرهای فراوانی بین صاحب نظران وجود داشته و دارد. فقر و توانگری نسبت به محیط فیزیکی و اجتماعی، موقعیت شخصی و نیازهای مادی و فرهنگی شخص یا گروه، مفاهیمی نسبی هستند. بنابراین، فقر به هیچ وجه واژه ای یک معنایی با مفهومی مطلق نیست. با این حال برای برخورداری از منابع مادی و معنوی می توان سطح حداقلی را در نظر گرفت که تأمین کننده کرامت انسانی باشد. با این حال تعریف فقر تأثیر مستقیمی بر روش های اندازه گیری و سیاست های توسعه ای معطوف به فقر دارد و راهگشای این تحقیق خواهد بود. بدیهی است تعریفی از فقر که فقر را نبود یا کمبود درآمد می انگارد در هنگام اندازه گیری فقر و یا اندازه گیری درصد افراد فقیر از معیارهای درآمدی استفاده می کند؛ بدین معنا که فقر فقدان حداقل درآمد و فقیر به معنای کسی است که از این حداقل، درآمد کمتری دارد (محمودی و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۱۷).

تعریف فقر با استفاده از شاخص های اجتماعی: شاخص های اجتماعی که با کمک آنها می توان فقر را اندازه گیری نمود عبارتند از:

- حداقل نیازهای اساسی

مجموعه شاخص های OECD، که از ۱۵ شاخص تشکیل شده است، برخی از این شاخص ها عبارتند از:

- ۱- امید به زندگی، ۲- نرخ مرگ و میر (نوزاد، بچه ها، بزرگسالان)، ۳- درصد کودکانی که دچار کم وزنی هستند، ۴- متوسط سالهای دبستان، ۵- تولید ناخالص داخلی سرانه، ۶- درآمد سرانه خانوار، ۷- نرخ بیکاری، ۸- دسترسی به آب سالم و...

- شاخص توسعه انسانی: UNDP این شاخص ترکیبی را در سال ۱۹۹۰ معرفی نمود که بر سه مولفه استوار است: طول عمر که براساس امید به زندگی در بدو تولد تعریف می شود، میزان آموزش و باسوادی و سطح زندگی که بر حسب تولید ناخالص داخلی سرانه و قدرت خرید تعریف می شود.

- شاخص فقر انسانی: این شاخص را نیز UNDP معرفی نمود. این شاخص، محرومیت

زندگی را از سه بعد منعکس می کند: طول عمر، دانش و سطح زندگی. محرومیت از بعد طول عمر بر حسب درصد افرادی که انتظار می رود قبل از چهارسالگی بمیرند و محرومیت در دانش بر حسب درصد افراد بالغ بی سواد و محرومیت در سطح زندگی از ترکیب سه متغیر: درصد افرادی که به آب سالم دسترسی ندارند، درصد افرادی که به خدمات بهداشتی دسترسی ندارند و درصد کودکان پنج ساله ای که دچار کم وزنی هستند به دست می آید (ارضروم چیلر، ۱۳۸۴).

ابعاد فقر

برای شناخت هر پدیده باید، ابعاد، مفهوم، تعاریف و چارچوب‌های نظری پیرامون آن را شناخت لذا در ذیل به برخی از ابعاد فقر با توجه به مفهوم هایی که از آن استنتاج می شود می پردازیم.

فقر ذهنی

زمانی که قضاوت شخص از وضعیت و موقعیت خویش در جامعه ملاک سنجش قرار می گیرد. فقر به عدم رضایت فردی از موقعیت اجتماعی و اقتصادی خویش تعریف می شود، با مفهوم فقر ذهنی مواجه هستیم یا به عبارت فقر ذهنی قضاوت هر فرد در مورد ارضای نیازهای وی به میزان کافی و یا غیر کافی است. فقر ذهنی، برآورده شدن نیازهای فراتر از نیازهای اساسی مطرح است.

فقر عینی

فقر است که منشاء آن نیازهای افراد می باشد به عبارتی دیگر فقر عینی ناتوانی یک فرد روستایی در برآورد کردن نیازهای اساسی است که لازمه ادامه زندگی است. فقر عینی نیز قضاوت شخص از وضعیت و موقعیت خود در جامعه ملاک سنجش قرار می گیرد و این تعریف وی ارائه می شود (حیدری و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۲۳).

رویکردهای اساسی به فقر

رویکردهای اساسی به فقر را می توان به سه دسته تقسیم کرد. این رویکردها عبارتند از رویکرد فقر درآمدی، رویکرد فقر قابلیت و رویکرد طرد اجتماعی. در بررسی فقر باید مشخص شود که از کدام منظر به مسئله فقر می نگریم. دیدگاه‌های متفاوت به یک مسئله می تواند به

ارائه راه حل‌های مختلف بیانجامد. رویکرد عمده در بررسی فقر، رویکرد فقر درآمدی و قابلیت است. اشاره به رویکرد طرد اجتماعی بیشتر جنبه آشنایی و معرفی دارد زیرا این رویکرد اندازه‌گیری فقر اهمیت نمی‌دهد.

رویکرد فقر درآمدی: این رویکرد تک‌ساختی و یک‌بعدی است و فقط بر حسب درآمد یا مصرف ارزیابی می‌شود. رویکرد غالب در محاسبه فقر در ایران این رویکرد است. در این رویکرد دستیابی به سطح درآمدی معین، دسترسی به خدمات و کالاهای مورد نیاز را تضمین می‌کند. در این رویکرد فرض اساسی این است که افراد نیازهای خود را از بازارهای کالاها و خدمات تأمین می‌کنند. پرداخت انتقالی از سوی دولت برای کسانی است که با دلایلی نمی‌توانند نیازهای خود را از منابع ذکر شده تأمین کنند. به همین دلیل افراد در رویکرد فوق دسته‌بندی می‌شوند تا افرادی که مستحق دریافت کمک‌های نقدی هستند شناسایی شوند. سطح دسترسی به کالا و خدمات در بازار و سایر خدمات عمومی می‌تواند سطوح مختلفی از رفاه را با درآمد یکسان رقم زند. مضافاً این که ویژگی‌های فردی و یا مسائل خاصی که یک خانوار ممکن است با آن روبه‌رو باشد می‌تواند آن خانوار را علی‌رغم داشتن درآمد مساوی، در شرایط اقتصادی ضعیف‌تری قرار دهد.

رویکرد قابلیت: این رویکرد، فقر را بر اساس شاخص‌های انسانی و اجتماعی ارزیابی می‌کند. توجه اصلی در این رویکرد معطوف به ارتقای ظرفیت‌های انسانی و کسب توانایی‌های اداره یک زندگی شرافتمندانه است؛ از این رو علاوه بر تأکید بر دسترسی به تغذیه کافی و مسکن مناسب، توانایی دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی، مشارکت در تصمیم‌گیری و حفظ عزت نفس مورد توجه است. در این رویکرد تأمین قابلیت‌های اساسی نه تنها هدف است بلکه وسیله‌ای است برای تأمین سایر نیازهای زندگی (محمودی و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۲۳).

ضروریات زندگی علاوه بر کالاهای مادی شامل آزادی سیاسی، امنیت فردی و مشارکت در حیات اجتماعی نیز می‌شود. در این رویکرد فرض بر آن است که ضرورتاً نمی‌توان کالاها و خدمات مورد نیاز را از طریق ورود به بازار و کسب درآمد به دست آورد بلکه بعضی خدمات باید ضرورتاً اجتماعی شوند. عموماً نهادهای دولتی مسئول‌ترین سازمان‌ها برای ارائه خدمات

اقتصادی به خانوارهای آسیب‌پذیر هستند.

مفهوم قابلیت اولین بار توسط «آمارتیاسن» مطرح گردید. سن معتقد است ارزش کالاها به نقش و کارکردی است که در رفع نیازهای انسانی دارند. به این معنا می‌بایست توجه خود را از نگاه تنگ و محدود درآمدی که عملاً منتج از نظریه مطلوبیت است به نگاه مبسوط مبتنی بر قابلیت معطوف کنیم.

سن قابلیت را به معنی آن چه مردم واقعاً قادر به انجام آن هستند، تعبیر می‌کند. بنابراین آنچه که مهم است توانایی بالقوه افراد است برای انتخابی متفاوت از آنچه هستند و آنچه انجام می‌دهند. به عبارت بهتر وضعیت اقتصادی یا اجتماعی که افراد در آن قرار دارند باید محصول یک انتخاب باشد نه اجبار. به این معنا انتخاب زمانی وجود دارد که وضعیت‌های مختلفی برای انتخاب کردن وجود داشته باشد. این وضعیت‌های مختلف بستگی مستقیم به ویژگی‌های فردی و شرایط محیطی دارد. با در نظر گرفتن رویکردهای درآمدمحور نمی‌توان مطلوبیت برای یک فرد سالم و یک فرد معلول را مقایسه و اندازه‌گیری کرد. فرد معلول با درآمد مساوی با فرد سالم ممکن است در وضعیت نامناسب‌تری به سر ببرد، زیرا او از یک محرومیت قابلیت رنج می‌برد. بنابراین سن بر ضرورت تغییر زاویه دید و نحوه نگرش به اهمیت کالاها برای انسان تأکید کرد. ارزش کالا در رفع نیاز انسان است و این رفع نیاز و ارزش بستگی زیادی به شرایط فردی و قابلیت فرد دارد.

روشن است که بسط این مفهوم به حوزه درآمدها، نقاط ضعف متعددی از رویکرد درآمدی در حوزه مفاهیم اقتصادی، به خصوص مباحث مربوط به فقر را آشکار می‌سازد. درآمدهای به ظاهر بالای خط فقر می‌تواند به دلیل مشکلات بسیار و مصائب خاص عملاً فرد را در وضعیت فقر نگه دارد. سن در نهایت با مترادف قرار دادن قابلیت‌های انسانی با آزادی‌های انسانی، آن را در حد یک پارادایم توسعه در کتابی تحت عنوان «توسعه به مثابه آزادی» ارائه کرد. یکی از حوزه‌هایی که از نظر مفاهیم، تعاریف، روش اندازه‌گیری و سیاست‌گذاری‌ها تأثیر زیادی از رویکرد قابلیت پذیرفته حوزه مباحث مربوط به فقر است. اگر نگاه خود را از متغیرهای کمی مانند درآمد و رشد به سمت قابلیت‌ها معطوف نماییم، تعاریف و روش‌های اندازه‌گیری فقر بسیار متفاوت خواهد بود. هواداران رویکرد قابلیت همچون روبینز موضوع و مفهوم

قابلیت را بسط دادند و یکی از تقسیم‌بندی‌های قابلیت‌ها را به قابلیت پایه و بنیادی تقسیم نمودند. قابلیت پایه مواردی همچون سواد، آموزش، سلامتی و مانند آن را دربر می‌گیرد و قابلیت بنیادی به معنی وجود شرایطی است که توانایی لازم و مناسب برای رها شدن از قحطی و گرسنگی و سوء تغذیه، سواد داشتن و امکان مشارکت در زندگی اجتماعی، داشتن سرپناه، امکان مسافرت و ... را فراهم می‌آورد (همان منبع، ص ۳۵).

رویکرد طرد اجتماعی: مفاهیم و تحلیل‌های طرد اجتماعی بر این فرض اساسی استوار است که رفاه اجتماعی و اقتصادی قوام‌بخش و تشکیل‌دهنده حقوق مردم است. طرد اجتماعی مفهومی است که در چارچوب‌هایی توسعه و تکامل یافته است که در آن حقوق اساسی حیات تأمین می‌شود؛ در آن گرسنگی، بیماری‌های واگیردار و مرگ و میر کودکان محدود شده است، دسترسی بهداشت، آب آشامیدنی و مدرسه تقریباً در همه جا وجود دارد. این رویکرد در بستر شهرنشینی پرشتاب، با تضعیف روابط خانوادگی و به موازات آن تقویت کار به عنوان بردار اصلی ارتباط اجتماعی و هویت اجتماعی و نیز وسیله اصلی دسترسی به ابزار حیات و بقا توسعه یافته است. وقتی یک کارگر مزدبگیر از دسترسی به کار محروم می‌شود دچار طرد اجتماعی می‌شود. در چنین شرایطی حمایت‌های اجتماعی در قالب تور ایمنی پایه، بخشی از نقش حمایتی است که به نهادهای عمومی اختصاص می‌یابد. رویکردهای طرد اجتماعی کمی نیستند، آنها تلاش نمی‌کنند که فقر را اندازه بگیرند، بلکه می‌کوشند پویایی فرایند طرد اجتماعی را نشان دهند، این که چگونه تولید و بازتولید می‌شوند، چگونه مردم در وضعیت محرومیت و حاشیه‌ای شدن اجتماعی قرار می‌گیرند و از آن بیرون می‌آیند، و این که نهادهایی که به طرد اجتماعی نظام می‌بخشند کدامند (راغفر، ۱۳۸۴، ص ۱۲).

ملاکهای تعیین اقشار فقیر و آسیب‌پذیر

۱- ناامنی غذایی: که با گرسنگی، سوء تغذیه یا هر گونه مخاطره در الگوی مصرف غذایی خانوار تعریف می‌شود

۲- ناامنی شغلی: که با بیکاری و تحت شرایط خاص اشتغال موقت و ناپایدار تعریف می‌شود.

۳- ناامنی اجتماعی: که با بی قدرت بودن و حالت

انزوای اجتماعی تعریف می‌شود و خود بازگویی فاصله اجتماعی فرد یا گروه با افراد یا گروه‌های دیگر است.

۴- ناامنی بهداشتی: که با بیماری، ضعف جسمانی و نیز فقدان و دشواری دسترسی به امکانات بهداشتی و درمانی تعریف می‌شود.

۵- وضعیت فقر روستایی: تعیین آسیب پذیری در جامعه روستایی و وضعیت فقر در آن، مستلزم تعریف وضعیت فقر روستایی و آگاهی از شرایط زندگی روستائیان فقیر است. برای تعریف وضعیت فقر روستایی علاوه بر استفاده از ملاکهای ماکیت زمین و دام و درآمد از شاخص‌های زیر می‌توان بهره گرفت.

۱- درجه امنیت غذایی: که بر مبنای الگوی تغذیه، میزان کالری و ترکیب غذایی متعارف خانوار تعریف می‌شود.

۲- وضعیت جسمانی: بر مبنای سلامت، قد، وزن، متوسط عمر و ... سنجیده می‌شود.

۳- قدرت: بر مبنای اقتدار خانوارهای مرفه و بی قدرتی خانوارهای کم درآمد و فقیر تعریف می‌گردد.

۴- رفتار اجتماعی: بر مبنای جمع‌گرایی و مشارکت فعال خانوارهای روستایی مرفه و متوسط و انزوای خانوارهای فقیر تعریف می‌شود.

نظریه‌های نابرابری و فقر از دیدگاه جغرافیدانان

علیرغم اینکه مدت زیادی است که از ورود جغرافیای فقر به عرصه ادبیات فقر گذشته است، جغرافیدانان، ظهور هر گونه فقر و نابرابری را در جامعه جهانی، مغایر با انسانیت و احترام به سرشت پاک انسانی می‌دانند. رونالد جانسون، یکی از جغرافیدانان سرشناس معاصر اذعان می‌دارد که هدف جغرافیا تنها این نیست که کیفیت زندگی روزمره انسانها را مطالعه کند، بلکه برای بسیاری از آنها کشف نابرابریهای جهانی و ناحیه‌ای یک نوع رسالت محسوب می‌شود. به عقیده وی هدف جغرافیدانان این نیست که در سراسر جهان با حذف نابرابریهای شدید اجتماعی و اقتصادی همه خانواده‌ها بتوانند به شغل دائمی، مسکن، بهداشت و درمان، آموزش و امنیت دست یابند، بلکه به اعتقاد وی هم اکنون بیشتر مردم جهان در فقر و سوء تغذیه بسر می‌برند، از سلامتی کامل بی‌بهره‌اند و زندگی غم‌انگیزی دارند. بر این اساس جغرافیدان وظیفه دارد که در بررسی‌های خود به ریشه این نابرابریها پی برده و تفکرات جغرافیایی خود را در

جهت حل این مسائل بکار گیرد.

جانسون معتقد است که تاکنون دو مدل توسعه در بیان علل و پیدایش نابرابریها بیش از همه مطرح بوده است. بر طبق مدل اول، توسعه در جهان، سازمان تولید، توزیع و مبادله، سوداگرانه و غیر اخلاقی است، زیرا بر اساس بهره‌کشی استعمار گونه از منابع عظیم جهانی و توده‌های انسانی سازمان‌یافته است، تا بدین ترتیب، اقلیتی مرفه از همه امتیازات زندگی بهره مند شوند و اکثریتی فقیر نیز در فقر و آلودگی ابدی زندگی کنند. دیدگاه دوم در امر توسعه این است که نابرابریهای موجود در جهان، موقتی و ناپایدار است. در این طرز تفکر که از دهه ۱۹۷۰ میلادی وارد ادبیات جغرافیایی شده، چنین تلقی می‌شود که اگر مردم جهان سوم به شدت کار کنند، تلاش و کار آنها در نظام کنونی سازمان اقتصادی تاثیر می‌گذارد و آن را پویاتر می‌سازد (عظیمی، ۱۳۹۴، ص ۴۰). به نظر جغرافیدانان، فقر بیشتر از دو عامل ذیل، می‌تواند نشأت بگیرد:

الف- فقر ناشی از طبیعت: بدین مفهوم که شرایط نامناسبی در طبیعت بوجود می‌آید و شرایط طبیعی متعادل و لازم را برای تولید غذا به شکلی به هم خورده و یک کاهش چشمگیری در امر تولید مواد غذایی و در نتیجه گرسنگی و فقر بوجود می‌آید.

ب- فقر ناشی از انسان: بدین مفهوم که انسان به منزله عاملی وارد عمل شده و با ایجاد تغییراتی در شرایط متعادل و مناسب طبیعی و یا برهم زدن روابط صحیح اجتماعی، زمینه را برای پیدایش کمبودهای حاد مواد غذایی فراهم می‌سازد (خالدی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۲۲).

پیشینه تحقیق

محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل عوامل موثر بر توزیع فضایی فقر در نواحی روستایی با تاکید بر ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی، مورد شناسی دهستان محمود آباد شهرستان شاهین دژ» به بررسی عوامل ایجاد کننده فقر روستایی و نحوه پراکنش آن در محدوده مورد مطالعه می‌پردازند. با توجه به گستردگی منطقه مورد مطالعه و به منظور مطالعه دقیق ۱۱ روستا، استفاده از فرمول اصلاح شده کوکران انتخاب و بین طبقات جمعیتی مختلف دهستان از طریق روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی، توزیع گردید. نتایج تحقیق نشان

می‌دهد که عامل دارایی، تحصیلات و اعتبارات بانکی از مهمترین عوامل مؤثر بر توزیع فضایی فقر در محدوده مورد مطالعه بود هاست.

زهرا یزدانی قره تپه در پایان نامه کارشناسی ارشد (۱۳۹۳) به تحلیل عوامل مؤثر بر توزیع فضایی فقر در نواحی روستایی با تاکید بر ساختار اقتصاد محلی، مطالعه موردی: دهستان محمودآباد پرداخته است. در این تحقیق عمدتاً شاخص‌ها و عوامل اقتصادی ایجادکننده فقر و نحوه توزیع آن در دهستان محمود آباد بررسی و تحلیل شده است. در همین راستا دو فرضیه مطرح شده است: ۱- رابطه‌ی معناداری بین فضای اقتصادی کارآفرینی و توزیع فضایی فقر در محدوده‌ی مورد مطالعه وجود دارد. ۲- رابطه‌ی معناداری بین توزیع فضایی فقر در روستاهای مورد مورد مطالعه.

خداداد کاشی (۱۳۹۱) در مقاله خود تحت عنوان «برآورد خط فقر و بررسی تغییرات آن در مناطق روستایی استان اصفهان» خط فقر خانوار در مناطق روستایی استان اصفهان طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۲ را برآورد نموده است. و از روش سلطه تصادفی جهت مقایسه فقر استفاده نموده است. نتایج نشان می‌دهد که سیاست‌های فقر زدایی در برنامه سوم توسعه در کاهش فقر مناطق روستایی استان اصفهان مؤثر بوده است.

صادقی و داودی (۱۳۹۰) در مقاله خود به آثار مخارج دولت بر فقر روستایی در ایران پرداختند در این مطالعه اثر مخارج دولت بر فقر روستایی با استفاده از روش سیستم معادلات همزمان شامل متغیرهای تأثیر گذار بر فقر روستایی شامل (فقر روستایی، بهره وری نیروی کار در بخش کشاورزی، اشتغال در مناطق روستایی، آموزش، بهداشت، برق، تلفن و ...) مورد بررسی قرار دادند. نتیجه برآورد نشان می‌دهد سرمایه گذاری عمومی در بخش آب، بهداشت و جاده بیشترین آثار را در فقر روستایی داشته اند. هزینه‌های دولت در فصول آب، تحقیق و توسعه و آموزش به ارتقاء بیشتر در بهره‌وری یاری رسانده است. هزینه‌های عمومی در توسعه زیر ساخت‌های آموزشی، بهداشتی و راه ترابری باعث افزایش بیشتر اشتغال در مناطق روستایی گردیده و هزینه‌های آب، بهداشت و جاده باعث کاهش مهاجرت از شهر به روستاها شده است.

محمدزاده و همکاران (۱۳۸۹) با استفاده از مدل پروبیت به بررسی عوامل تعیین کننده فقر در سال

۱۳۸۷ پرداختند. نتایج مطالعه نشان داد که بیشترین کاهش احتمال فقر خانوارهای شهری مربوط به تحصیلات و جنسیت سرپرست خانوار است.

فرخ افتخاری، آیت اله کرمی (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی عوامل مؤثر بر فقر در مناطق روستایی کهگیلویه و بویراحمد» به بررسی وضعیت فقر و عوامل مؤثر بر آن در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد پرداخته‌اند. جامعه آماری، ساکنین مناطق روستایی استان بوده که ابتدا با استفاده از جدول نمونه گیری پاتن، ۴۰۳ خانوار و در مرحله بعد با استفاده از روش نمونه گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای نمونه انتخاب گردید. نتایج نشان داد که خط فقر غذایی، غیر غذایی و خط فقر کل ماهیانه برای یک فرد بالغ در سال ۱۳۸۸ در مناطق روستایی استان، به ترتیب ۲/۳۳۷، ۶/۱۹۵ و ۵۳۲/۸ هزار ریال می‌باشد. همچنین، سرانه، شکاف و شدت فقر غذایی در منطقه مورد ۳۱/۳، ۹/۶ و ۴ درصد و سرانه، شکاف و شدت فقر کل نیز به ترتیب ۳۲/۳، ۸/۶ و ۶/۳ درصد می‌باشد

پورطاهری و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان تحلیل عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر فقر روستایی با تأکید بر فقر غذایی بخش خلیجستان استان قم پرداخته اند. به این منظور فقر خانوارهای نمونه به وسیله شاخص مصرف کالری در نزد ۲۶۵ خانوار از ۱۷ روستا از طریق پرسشنامه ارزیابی و سنجش شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد عوامل اقتصادی در مقایسه با عوامل اجتماعی نقش بیشتری در شکل گیری فقر منطقه مورد مطالعه دارند.

عمرانی و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه ای به بررسی عوامل تعیین کننده فقر و همچنین تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی شهرستان زابل طی دوره ۸۳-۱۳۷۶ پرداخته اند. در این تحقیق سن سرپرست خانوار، ترکیب سنی فرزندان خانوار و همچنین مجذور بعد خانوار از مهم ترین عوامل تعیین کننده فقر در مناطق روستایی شهرستان زابل تشخیص داده شده است.

شنگن و دیگران (۲۰۱۵) در مطالعه شان تاثیر هزینه‌های مختلف را بر رشد اقتصادی و نابرابری و فقر در جامعه روستایی چین بررسی کرده اند. آنان دریافتند که هزینه‌های دولت برای آموزش، تحقیق و توسعه (R&D) در بخش کشاورزی، سرمایه گذاری دولت برای افزایش تولید، هزینه‌های دولت برای توسعه

زیرساخت‌ها در روستاها از قبیل جاده، برق و تلفن علاوه بر اینکه بهره‌وری در بخش کشاورزی را افزایش می‌دهد به کاهش فقر در مناطق روستایی نیز می‌انجامد. اگرچه اثر آنها با یکدیگر برابر نیست و تفاوت دارند. هزینه‌های دولت برای آموزش دارای بیشترین اثر بر افزایش بهره‌وری و کاهش فقر در مناطق روستایی چین بوده است. پس از آن هزینه‌های دولت برای تحقیق و توسعه اثر زیادی بر افزایش تولید و بهره‌وری در اقتصاد روستایی چین داشته است. بهبود وضعیت ارتباطی و ایجاد زیرساخت‌هایی نظیر جاده، برق و تلفن نیز عامل بعدی در کاهش فقر به شمار می‌آید. این عامل از طریق افزایش غیرمستقیم دستمزدها و افزایش امکان اشتغال به فعالیت‌های غیرکشاورزی برای روستاییان در کاهش فقر و افزایش درآمد آنها موثر واقع می‌گردد. نتیجه غالب توجه دیگری که در پژوهش مذکور به دست آمده این است که هزینه‌هایی که دولت چین مشخصاً برای کاهش فقر در روستاها انجام می‌دهد، اثر چندانی بر کاهش فقر نداشته است. این امر بازنگری در نحوه هزینه کردن یا یافتن راه‌های افزایش کارایی اینگونه هزینه‌ها را نمایان ساخت.

مرکز مطالعات استانداردهای زندگی کانادا (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط بین کاهش فقر و رشد بهره‌وری در کشورهای در حال توسعه پرداخته است. بر اساس نتایج پژوهش مذکور، ارتباط بین رشد بهره‌وری و کاهش فقر از ارتباط بین رشد اقتصادی و کاهش فقر بیشتر بوده و اهمیت آن تقریباً به اندازه‌ی ارتباط بین رشد تولید ناخالص داخلی به سرمایه و کاهش فقر است. همچنین مشخص گردید که سطوح نابرابری درآمد، حلقه واسط بین رشد بهره‌وری و کاهش فقر قلمداد می‌شود. سطوح بالاتر نابرابری و افزایش در آن موجب رشد کم بهره‌وری و درآمد و طبیعتاً افزایش فقر می‌گردد. این مطالعه که برای ۶۲ کشور در حال توسعه از نقاط مختلف جهان اعم از افریقا، امریکای لاتین و آسیا انجام شده است، رشد بهره‌وری نیروی انسانی را عامل اساسی در بهبود شاخص‌های زندگی در این کشورها برمی‌شمارد. تحقیقات یاسین و همکاران (۲۰۱۱) در مقاله‌ای تحت عنوان فقر روستایی در سودان جنوبی نشان داد که تحصیلات متوسطه، سرپرست خانوار طلاق گرفته و زن سرپرست بودن خانوار تعیین‌کننده‌های اصلی فقر خانوارهای شهری هستند. در مطالعه اچیا و

همکاران (۲۰۱۰): اچیا به همراه همکاران خود به بررسی فقر در کشور کنیا با توجه به عوامل اجتماعی و فرهنگی پرداختند. بر اساس مطالعات ایشان متغیرهای سن و تحصیلات سرپرست خانوار و منطقه سکونت ارتباط معناداری را با فقر در کنیا نشان داد. نتیجه مطالعات آنها در کنیا نشان داد متغیر سن با میزان فقر رابطه مستقیم و میزان تحصیلات با میزان فقر رابطه معکوس دارد.

منطقه مورد مطالعه

شهرستان پاکدشت در جنوب شرقی استان تهران و در محدوده جغرافیایی ۵۱ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۵۶ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۱۷ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۳۵ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. این شهرستان که با مساحت ۵۸۹ کیلومتر مربع (۴٫۳ درصد از وسعت استان تهران) از دو بخش مرکزی و شریف آباد، ۶ دهستان و ۵۳ روستا تشکیل شده و جمعیت آن بر طبق آمار سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۳۵۰۹۶۶ نفر بوده است، از شمال به کوه‌های البرز و دماوند، از غرب به تهران و ری، از جنوب به بخش مرکزی ورامین و شهر قرچک و از شرق به استان سمنان و شهرستان گرمسار محدود می‌شود (حیدریان و همکاران، ۱۳۹۳). تعداد روستاهای پاکدشت ۴۷ روستا می‌باشد. عمده فعالیت‌های روستاهای منطقه کشاورزی و گلخانه می‌باشد. بررسی آمارها و مشاهدات اولیه نشان می‌دهد که فقر روستایی در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان پاکدشت گسترده می‌باشد (گزارش فرمانداری پاکدشت، ۱۳۹۳).

روش تحقیق

با توجه به نوع و اهداف تحقیق که پیش از این ذکر آن بین گردید، تحقیق حاضر از نوع کاربردی و رویکرد حاکم بر آن در این پژوهش توصیفی و تحلیلی است و بر پایه مطالعات انجام‌شده در این زمینه و تحلیل محتوی مبانی نظری و استخراج شاخص‌های تعدیل فقر از یک سو و از سوی دیگر با تکیه بر نظرات کارشناسان ذی‌ربط، با بهره‌گیری از مدل دلفی و استفاده از ابزار مصاحبه عمیق، پرسشنامه و همچنین استفاده از نرم افزار SPSS در تحلیل‌های آماری و افزار GEODA, ARC-GIS, TM و تحلیل‌های آماری فضایی انتخاب شده است. بر این اساس فرایند پژوهش بدین‌گونه طرح‌ریزی و عملیاتی گردیده است که در وهله نخست با تکیه بر مصاحبه‌های

عمیق با کارشناسان و خبرگان موضوع مورد طرح پژوهش و همچنین با استناد بر مطالعات و پژوهشهای معتبر و مختلفی که تا کنون چه در عرصه ملی و چه در عرصه بین‌المللی صورت پذیرفته‌است، شاخص‌های تعدیل فقر مناطق روستایی شهرستان پاکدشت با توجه به ویژگی‌های خاص آن و تحلیل محتوی و روش دلفی و ایجاد طوفان فکری مشخص خواهد شد. در مرحله بعد با توجه به ابعاد و شاخص‌های مشخص‌شده و با استناد به مطالعات انجام‌شده در این زمینه، شاخص‌ها و معیارهای مرتبط با آن در قالب پیش‌نویس پرسشنامه برای دور اول استخراج خواهد شد. در این مرحله پیش‌نویس و طرح اولیه پرسشنامه توسط تعدادی از کارشناسان ذی‌ربط مورد ارزیابی و پرسشگری واقع گردیده و پس از آن رفع ابهامات و ویرایش‌های اولیه جهت روایی و پایایی فرایند پرسشگری صورت خواهد پذیرفت تا اینکه پرسشنامه نهایی تحقیق آماده پرسشگری نهایی از جامعه آماری مورد نظر گردد. و در نهایت پس از تکمیل پرسشنامه‌ها توسط جامعه آماری تحقیق، پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم افزار Arc gis و تحلیل‌های آمار فضایی وضعیت فضایی فقر سکونتگاه‌های روستایی شهرستان مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

یافته‌های تحقیق

در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ با توجه به اینکه با استفاده از نرم‌افزار SPSS محاسبه گردید، فقط خروجی عددی آن در جداولی که در ادامه آمده است، آورده شده است. برای محاسبه پایایی پژوهش تعداد ۲۰ پرسشنامه در سطح روستاها مورد مطالعه توزیع گردیده و براساس داده‌های جمع‌آوری شده میزان آلفای کرونباخ برای هر یک از ابعاد فقر روستایی در جدول شماره (۱) به شرح زیر به دست آمده است.

جدول ۱. بررسی میزان آلفای کرونباخ ابعاد فقر روستایی؛ مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶.

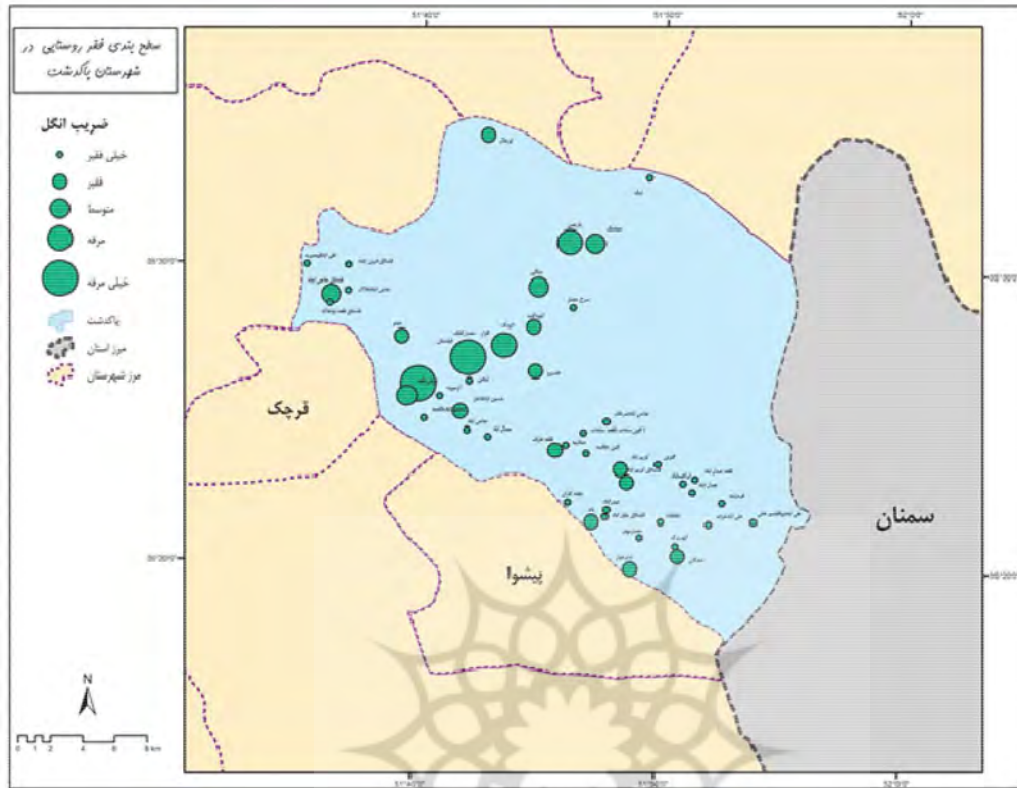
ردیف	ابعاد	میزان آلفای کرونباخ
۱	سیاسی	۰/۷۹۷
۲	اجتماعی	۰/۷۵۷
۳	اقتصادی	۰/۸۲۳
۴	محیطی	۰/۹۴

پژوهش حاضر با توجه به موضوع تحقیق به منظور دستیابی به حداکثر ضریب دقت در بدست آوردن نمونه‌هایی که دارای درجه بالایی از ویژگی‌های جامعه آماری بوده و نتایج بدست آمده از آن قابل تعمیم به کل جامعه باشد از نمونه‌گیری تصادفی استفاده خواهد شد. جامعه آماری روستاهای واقع در شهرستان پاکدشت به تعداد ۴۷ روستا در سال ۱۳۹۵ می‌باشد که کل روستاهای منطقه را شامل می‌گردد. اطلاعات موردنیاز از سرشماری سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران اخذ می‌شود ضمناً در این پژوهش در رابطه با تعداد نمونه از تمام‌شماری استفاده می‌شود لیکن در صورت وجود محدودیت در دسترسی به اطلاعات روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی بکار گرفته خواهد شد. در این راستا، بر طبق فرمول کوکران، ۲۷۰ نفر از سرپرستان خانوار به عنوان جامعه نمونه انتخاب گردید (این نکته باید قابل توجه باشد که این محاسبه با سطح خطای ۵ درصد صورت می‌گیرد).

محاسبه فقر در سکونتگاه‌های روستاهای شهرستان پاکدشت بر اساس شاخص معکوس ضریب انگل

ضریب انگل یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که در بررسی فقر در جامعه استفاده می‌شود. این شاخص که از نسبت هزینه‌های خوراکی به کل هزینه‌های مصرفی به دست می‌آید، نشان می‌دهد که چه سهمی از درآمد خانوار، صرف هزینه‌های اولیه و مواد خوراکی می‌شود. هر چه این ضریب بیشتر باشد، نشان می‌دهد که سهم بیشتری از درآمد خانوارها صرف هزینه‌های خوراکی می‌شود که این خود یکی از نشانه‌های فقر در جامعه است. کاربرد روش اخیر موجب تخمین مناسبی از خط فقر نسبی برحسب معیار معکوس ضریب انگل می‌باشد. لازم به توضیح است طبق سرشماری شناسنامه آبادی‌های کشور در سال ۱۳۹۰ ضریب انگل نسبت به خانوارهای مناطق روستایی محاسبه گردید که خانوارهای ۴۷ روستای منطقه در نظر گرفته شده و متوسط درآمد خانوارهای ۴۷ روستای دارای سکنه منطقه در ده دهک طبقه‌بندی و مخارج دهک اول درآمدی (فقیرترین) را به عنوان شاخصی از مخارج به عنوان پایه فقر در نظر گرفته شد و درصد مصرف این مخارج در سبد غذایی محاسبه و ضریب انگل برای

شکل ۱. سطح بندی فقر روستایی در شهرستان پاکدشت با شاخص انگل



جدول ۲. مطلوبیت و تعداد روستاهای قرار گرفته در طبقات فقر در شهرستان پاکدشت؛ منبع: یافته‌های تحقیق

ردیف	مطلوبیت	تعداد روستا
۱	خیلی مرفه	۲
۲	مرفه	۲
۳	متوسط	۴
۴	فقیر	۱۱
۵	خیلی فقیر	۲۸

است. هر یک از قسمتهای پرسشنامه برای جمع آوری اطلاعات در زمینه خاصی طراحی شده بود. اطلاعات فقر روستایی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، محیطی و اجتماعی از پرسش شونده‌گان اخذ میشود.

۴۷ روستا محاسبه گردید. متوسط درآمد دهک اول در خانوار روستایی شهرستان پاکدشت ۷۲۲۵۶۰۰ ریال بوده که ملاک قرار گرفته و متوسط مخارج دهک اول در مواد خوراکی ۰٫۸۹۱۰۷۱ درصد می‌باشد که ملاک قرار گرفته است. همچنین با ایجاد دیتا بیس برای روستاهای موجود و اعمال ضریب انگل برای روستاهای منطقه، نقشه پراکنش فضایی روستاهای منطقه از لحاظ فقر در ۵ سطح تهیه گردید که در شکل شماره (۱) نشان داده شده است.

نتایج نشان می‌دهد روستاهای جنوب شرق شهرستان پاکدشت دارای فقر روستایی بیشتری هستند و روستاهای نزدیک تهران دارای فقر کمتری می‌باشند. در این رابطه جدول شماره (۲) مطلوبیت و تعداد روستاهای قرار گرفته در طبقات فقر روستایی را به تصویر می‌کشد.

نتایج حاصل از تحلیل محتوی مبانی نظری و استفاده از مدل دلفی شاخص‌های محلی کمی و کیفی فقر روستایی در منطقه استخراج گردید (جدول ۳). پرسشنامه مورد استفاده در این تحقیق چند قسمت بوده

جدول ۳. شاخص‌های فقر روستایی؛ یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

ابعاد	مولفه	شاخص و گویه
سیاسی	امنیت	۱-عدم دسترسی به پاسگاه پلیس، ۲- نداشتن امنیت عمومی، ۳- وجود نزاع و کشمکش با دیگران
	مشارکت سیاسی	عدم شرکت در انتخابات شوراها، ۲- عدم شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۳- عدم شرکت در انتخابات ریاست جمهوری
	حقوق قومیت‌ها و اقلیت‌ها	۱-عدم پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیون به زبان‌های محلی، ۲- عدم پوشش مناسب رسانه‌ای (تعداد اندک کانالهای تلویزیونی، رادیویی)، ۳- عادت‌ها و روشهای نامناسب قومی- قبیله‌ای و اصرار بر انجام آنها، ۴- نبود مجلات و بروشورهای مفید به زبان محلی
اقتصادی		۱-عدم استفاده از فرآورده‌های پروتئینی، ۲- عدم استفاده از لبنیات و حبوبات، ۳- عدم استفاده از انواع میوه و سبزیجات
	درآمد	۱-عدم رضایت از میزان درآمد، ۲- عدم پس انداز، ۳- عدم دسترسی به وام‌ها و اعتبارات بانکی، ۴- ناتوانی در خرید یا دسترسی به انواع کودها و بذرها و سموم دفع آفات نباتی، ۵- عدم توان سرمایه گذاری در امور کشاورزی، ۶- عدم دسترسی به بازار محصولات کشاورزی
محیطی	مسکن	۱-بی‌دوامی مصالح بکار رفته در مسکن، ۲- بی‌دوامی سازه واحدهای مسکونی، ۳- میزان تأثیر معماری واحدهای مسکونی روستایی در عدم صرفه جویی انرژی، ۴- کمبود فضای واحد مسکونی، ۵- میزان برخورداری واحد مسکونی از امکانات، ۶- میزان دسترسی به امکانات، ۷- عدم رضایت از معماری مسکن، ۸- عدم بهره‌وری مناسب در تولید مسکن
اجتماعی	آموزش	۱-عدم شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی، ۲- عدم دریافت نشریه ترویجی، ۳- عدم برخورداری از امکانات ترویجی بر اساس استفاده از مرکز خدمات جهاد کشاورزی در روستا، ۴- عدم وجود مدارس نوساز با کیفیت برای تحصیل فرزندان، ۵- نبود معلمان خوب و با تجربه برای تحصیل فرزندان
اجتماعی	بهداشت	۱-عدم دسترسی به خدمات درمانی و بهداشتی (خانه بهداشت، درمانگاه)، ۲-وجود مشکلات بهداشتی ناشی از جانوران موذی (موش، مگس و غیره)، ۳- عدم وجود جایگاه دفع زباله، ۴- نداشتن روش‌های بهداشتی جمع‌آوری زباله
	ارتباطات اجتماعی	۱-عدم مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی روستا، ۲- نداشتن رابطه خوب با همسایگان و اهالی روستا، ۳- عدم توجه به سرنوشت دیگران (مهم نبودن سرنوشت افراد)، ۴- ناتوانی در دفاع از حق خود (گوشه‌گیری)، ۵- عدم وجود راههای مناسب برای حمل و نقل، ۶- وجود فاصله زمانی زیاد تا مراکز شهر، ۷- عدم رضایت از حمل و نقل عمومی، ۸- استفاده از شبکه‌های اجتماعی
	ذهنی (روانی)	۱-عدم رضایت از وضع موجود زندگی، ۲- نداشتن انگیزه برای بهبود وضعیت خود، ۳- عدم امید به بهتر شدن آینده، ۴- معتقد نبودن به ثروت و ثروتمندان، ۵- وجود حس محرومیت، ۶- اعتقاد به وجود بی‌عدالتی در حق خود

۲۳ شاخص مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

تحلیل‌های میدانی فقر روستایی

از متغیرهای مورد بررسی (سیاسی، اقتصادی، محیطی و اجتماعی) که به عنوان عوامل تاثیرگذار شاخص‌های فقر روستایی بر مناطق سکونتگاه‌های روستایی شهرستان پاکدشت در نظر گرفته شده، بعد سیاسی دارای ۱۰ شاخص، بعد اقتصادی دارای ۹ شاخص، بعد محیطی دارای ۸ شاخص و بعد اجتماعی دارای

بعد سیاسی

به منظور بررسی ابعاد سیاسی اثرات شاخص‌های فقر روستایی بر روی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان پاکدشت، از ۳ مولفه و در قالب ۱۰ شاخص و گویه استفاده شده است.

امنیت

این مولفه شامل: ۱- عدم دسترسی به پاسگاه پلیس، ۲- نداشتن امنیت عمومی، ۳- وجود نزاع و کشمکش با دیگران بوده که نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین میانگین وزنی برای متغیر عدم دسترسی به پاسگاه پلیس با میانگین ۲/۶۶ و شاخص نداشتن امنیت عمومی با میانگین ۱/۹۸ کمترین میانگین را داشته‌اند. همچنین میانگین کل مولفه امنیت که بعد سیاسی را شامل می‌شود عدد ۲/۲۳ را نشان می‌دهد.

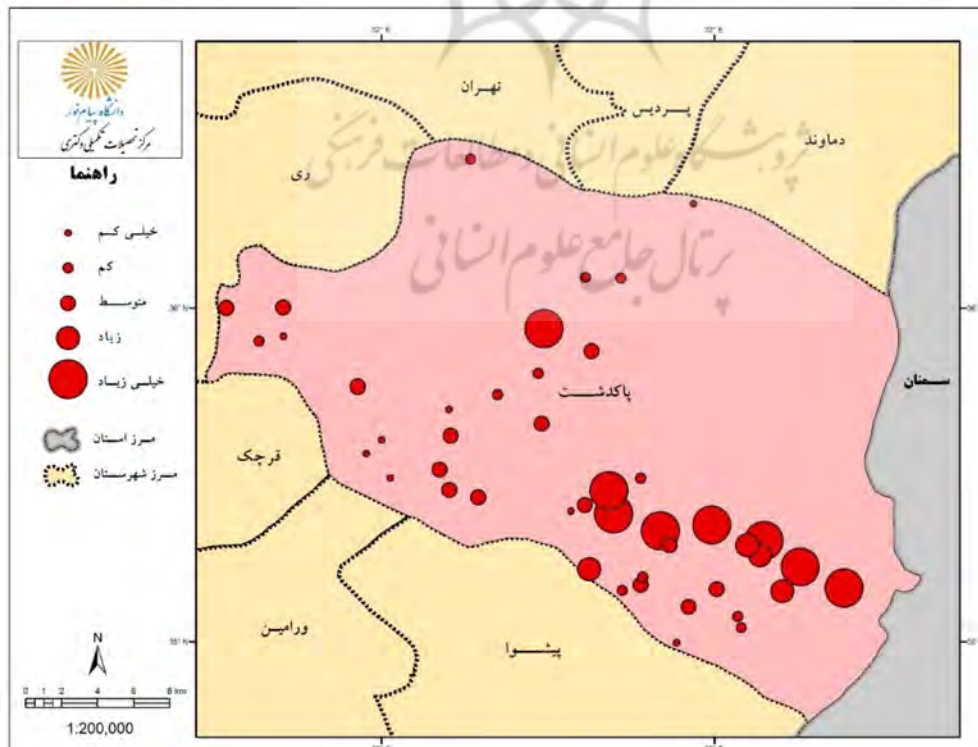
مشارکت سیاسی

این مولفه شامل: ۱- عدم شرکت در انتخابات شوراها، ۲- عدم شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۳- عدم شرکت در انتخابات ریاست جمهوری می‌باشد که مورد آزمون میدانی قرار گرفت. شاخص عدم شرکت در انتخابات ریاست جمهوری با میانگین ۲/۹۶ بیشترین میانگین وزنی، و شاخص عدم شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی با میانگین ۱/۸۸ کمترین میانگین وزنی را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین کل مولفه مشارکت سیاسی عدد، ۲/۴۴ بدست آمد.

حقوق قومیت‌ها و اقلیت‌ها

این مولفه شامل: ۱- عدم پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیون به زبان‌های محلی، ۲- عدم پوشش مناسب رسانه‌ای (تعداد اندک کاناهای تلویزیونی، رادیویی)، ۳- عادت‌ها و روشهای نامناسب قومی- قبیله‌ای و اصرار بر انجام آنها، ۴- نبود مجلات و بروشورهای مفید به زبان محلی می‌باشد که مورد آزمون میدانی قرار گرفت. شاخص عدم پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیون به زبان‌های محلی با میانگین ۲/۹۳ بیشترین میانگین وزنی، و شاخص نبود مجلات و بروشورهای مفید به زبان محلی با میانگین ۲/۱۵ کمترین میانگین وزنی را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین کل مولفه حقوق قومیت‌ها و اقلیت‌ها عدد، ۲/۴۳۵ بدست آمد. با توجه به میانگین وزنی استخراج شده هر روستا و تشکیل دیتا بیس موجود در پایگاه داده اطلاعاتی هر روستاهای شهرستان پاکدشت مورد مطالعه در پنج طیف در شکل شماره (۲) نشان داده شده است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد ۸ روستا در طیف فقر سیاسی خیلی زیاد، ۴ روستا در طیف زیاد، ۱۴ روستا

شکل ۲. نقشه پراکندگی فقر سیاسی در روستاهای شهرستان پاکدشت



در طیف متوسط، ۱۱ روستا در طیف کم و ۱۰ روستا در طیف خیلی کم قرار گرفتند (جدول ۳).

جدول ۳. پراکندگی فقر سیاسی در سکونتگاه های روستایی شهرستان پاکدشت؛ مأخذ: یافته های تحقیق، ۱۳۹۶.

ردیف	طبقات	تعداد روستاها
۱	خیلی زیاد	۸
۲	زیاد	۴
۳	متوسط	۱۴
۴	کم	۱۱
۵	خیلی کم	۱۰

امنیت غذایی

این مولفه شامل: ۱- عدم استفاده از فرآورده های پروتئینی، ۲- عدم استفاده از لبنیات و حبوبات، ۳- عدم استفاده از انواع میوه و سبزیجات بوده که نتایج تحقیق نشان می دهد که بیشترین میانگین وزنی برای متغیر عدم استفاده از انواع میوه و سبزیجات با میانگین ۳/۴۱ و شاخص عدم استفاده از فرآورده های پروتئینی با میانگین ۱/۵۶ کمترین میانگین را داشته اند. همچنین میانگین کل مولفه امنیت غذایی که بعد اقتصادی را شامل می شود عدد ۲/۳۲ را نشان می دهد.

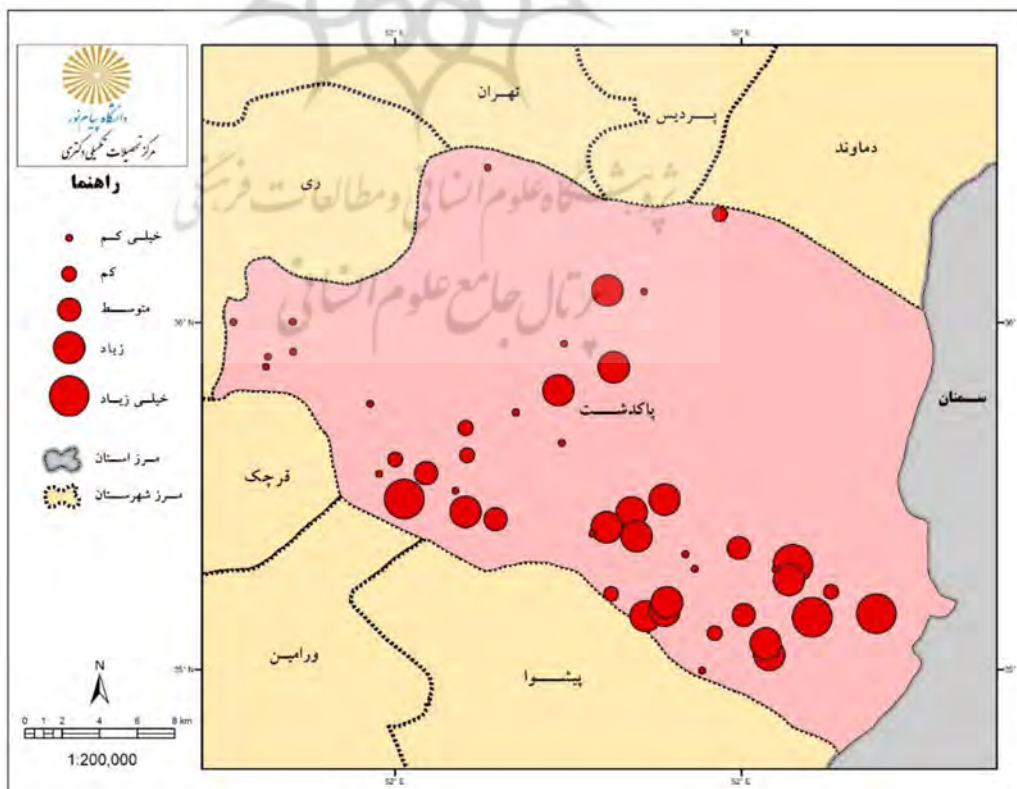
درآمد

این مولفه شامل: ۱- عدم رضایت از میزان درآمد، ۲- عدم پس انداز، ۳- عدم دسترسی به وامها و اعتبارات بانکی، ۴- ناتوانی در خرید یا دسترسی به انواع کودها و بذرها و سموم دفع آفات نباتی، ۵- عدم توان سرمایه گذاری در امور کشاورزی، ۶- عدم دسترسی به بازار محصولات کشاورزی بوده که نتایج تحقیق نشان می دهد که بیشترین میانگین وزنی برای متغیر عدم دسترسی به بازار محصولات کشاورزی با میانگین ۳/۰۷ و شاخص عدم رضایت از میزان درآمد با میانگین ۰/۲۸ کمترین

بعد اقتصادی

به منظور بررسی ابعاد اقتصادی اثرات شاخص های فقر روستایی بر روی سکونتگاه های روستایی شهرستان پاکدشت از ۲ مولفه و در قالب ۹ شاخص و گویه استفاده شده است.

شکل ۳. نقشه پراکندگی فقر اقتصادی در روستاهای شهرستان پاکدشت

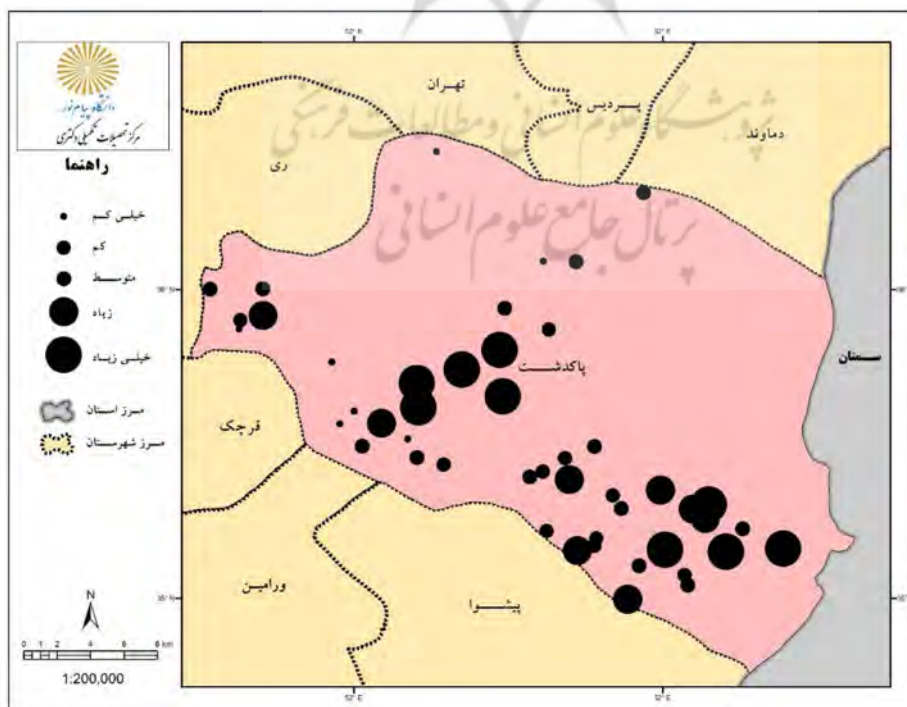


جدول ۴. پراکندگی فقر اقتصادی در سکونتگاه های روستایی شهرستان پاکدشت؛ مأخذ: یافته های تحقیق، ۱۳۹۶.

ردیف	طبقات	تعداد روستاها
۱	خیلی زیاد	۴
۲	زیاد	۱۴
۳	متوسط	۴
۴	کم	۷
۵	خیلی کم	۱۸

۴- کمبود فضای واحد مسکونی، ۵- میزان برخورداری واحد مسکونی از امکانات، ۶- میزان دسترسی به امکانات، ۷- عدم رضایت از معماری مسکن، ۸- عدم بهره وری مناسب در تولید مسکن بوده که نتایج تحقیق نشان می دهد که بیشترین میانگین وزنی برای متغیر عدم بهره وری مناسب در تولید مسکن با میانگین ۳/۴۱ و شاخص بی دوامی سازه واحدهای مسکونی با میانگین ۰/۱۲ کمترین میانگین را داشته اند. همچنین میانگین کل مولفه مسکن که بعد محیطی را شامل می شود عدد ۱/۵۵ را نشان می دهد. با توجه به میانگین وزنی استخراج شده هر روستا و تشکیل دیتا بیس موجود در پایگاه داده اطلاعاتی هر روستا،

شکل ۴. نقشه پراکندگی فقر محیطی در روستاهای شهرستان پاکدشت



میانگین را داشته اند. همچنین میانگین کل مولفه درآمد که بعد اقتصادی را شامل می شود عدد ۱/۸۸ را نشان می دهد.

با توجه به میانگین وزنی استخراج شده هر روستا و تشکیل دیتا بیس موجود در پایگاه داده اطلاعاتی هر روستا، نقشه پراکندگی شاخص های فقر اقتصادی روستاهای شهرستان پاکدشت مورد مطالعه در پنج طیف در شکل شماره (۳) نشان داده شده است.

تحلیل ها نشان می دهد ۴ روستا در طیف فقر اقتصادی خیلی زیاد، ۱۴ روستا در طیف زیاد، ۴ روستا در طیف متوسط، ۷ روستا در طیف کم و ۱۸ روستا در طیف خیلی کم قرار گرفتند (جدول ۴)

بعد محیطی

به منظور بررسی ابعاد محیطی اثرات شاخص های فقر روستایی بر روی سکونتگاه های روستایی شهرستان پاکدشت، از یک مولفه و در قالب ۸ شاخص و گویه استفاده شده است.

مسکن

این مولفه شامل: ۱- بی دوامی مصالح بکار رفته در مسکن؛ ۲- بی دوامی سازه واحدهای مسکونی، ۳- میزان تأثیر معماری واحدهای مسکونی روستایی در عدم صرفه جویی انرژی،

نقشه پراکندگی شاخص های فقر محیطی روستاهای شهرستان پاکدشت مورد مطالعه در پنج طیف در شکل شماره (۴) نشان داده شده است.

تحلیل ها نشان می دهد ۹ روستا در طیف فقر محیطی خیلی زیاد، ۸ روستا در طیف زیاد، ۱۳ روستا در طیف متوسط، ۱۰ روستا در طیف کم و ۷ روستا در طیف خیلی کم قرار گرفتند (جدول ۵)

جدول ۵. پراکندگی فقر محیطی در سکونتگاه های روستایی شهرستان پاکدشت؛ مأخذ: یافته های تحقیق، ۱۳۹۶.

ردیف	طبقات	تعداد روستاها
۱	خیلی زیاد	۹
۲	زیاد	۸
۳	متوسط	۱۳
۴	کم	۱۰
۵	خیلی کم	۷

بعد اجتماعی

به منظور بررسی ابعاد اجتماعی اثرات شاخص های فقر روستایی بر روی سکونتگاه های روستایی شهرستان پاکدشت، از چهار مولفه و در قالب ۲۳ شاخص و گویه استفاده شده است.

آموزش

این مولفه شامل: ۱- عدم شرکت در کلاس های آموزشی و ترویجی، ۲- عدم دریافت نشریه ترویجی، ۳- عدم برخورداری از امکانات ترویجی بر اساس استفاده از مرکز خدمات جهاد کشاورزی در روستا، ۴- عدم وجود مدارس نوساز با کیفیت برای تحصیل فرزندان، ۵- نبود معلمان خوب و با تجربه برای تحصیل فرزندان بوده که نتایج تحقیق نشان می دهد که بیشترین میانگین وزنی برای متغیر عدم شرکت در کلاس های آموزشی و ترویجی با میانگین ۲/۴۱ و شاخص عدم دریافت نشریه ترویجی با میانگین ۱/۱۲ کمترین میانگین را داشته اند. همچنین میانگین کل مولفه مسکن که بعد اجتماعی را شامل می شود عدد ۱/۸۰۶ را نشان می دهد.

بهداشت

این مولفه شامل: ۱- عدم دسترسی به خدمات درمانی و بهداشتی (خانه بهداشت، درمانگاه)، ۲- وجود مشکلات

بهداشتی ناشی از جانوران موذی (موش، مگس و غیره)، ۳- عدم وجود جایگاه دفع زباله، ۴- نداشتن روش های بهداشتی جمع آوری زباله بوده که نتایج تحقیق نشان می دهد که بیشترین میانگین وزنی برای متغیر وجود مشکلات بهداشتی ناشی از جانوران موذی (موش، مگس و غیره) با میانگین ۲/۱۲ و شاخص نداشتن روش های بهداشتی جمع آوری زباله با میانگین ۰/۱۴ کمترین میانگین را داشته اند. همچنین میانگین کل مولفه بهداشت که بعد اجتماعی را شامل می شود عدد ۰/۷۱ را نشان می دهد.

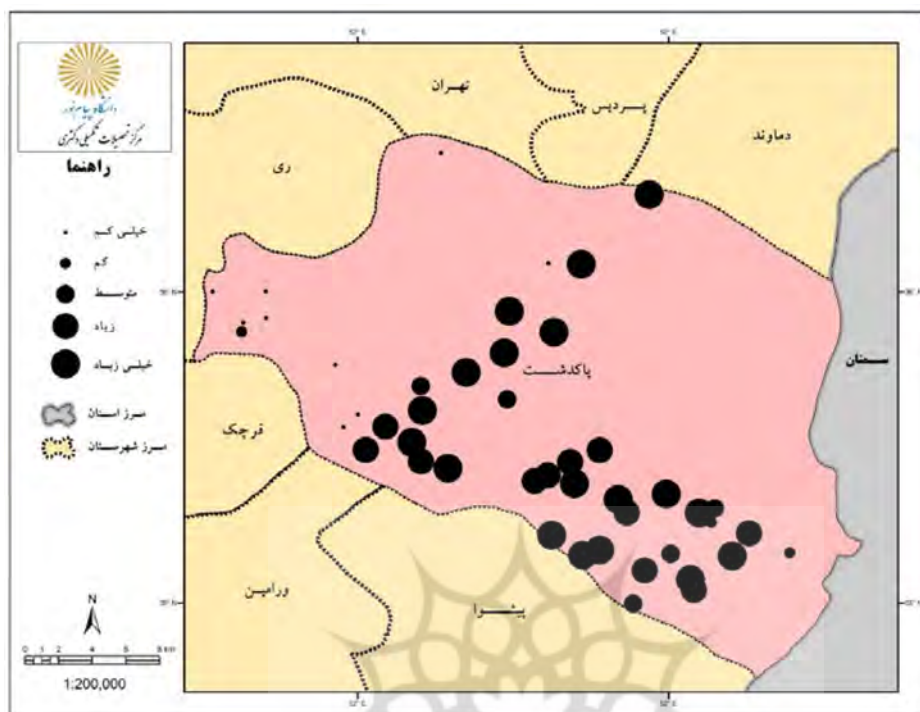
ارتباطات اجتماعی

این مولفه شامل: ۱- عدم مشارکت در فعالیتهای اجتماعی روستا، ۲- نداشتن رابطه خوب با همسایگان و اهالی روستا، ۳- عدم توجه به سرنوشت دیگران (مهم نبودن سرنوشت افراد)، ۴- ناتوانی در دفاع از حق خود (گوشه گیری)، ۵- عدم وجود راههای مناسب برای حمل و نقل، ۶- وجود فاصله زمانی زیاد تا مراکز شهری، ۷- عدم رضایت از حمل و نقل عمومی، ۸- استفاده از شبکه های اجتماعی بوده که نتایج تحقیق نشان می دهد که بیشترین میانگین وزنی برای متغیر استفاده از شبکه های اجتماعی با میانگین ۳/۴۱ و شاخص نداشتن رابطه خوب با همسایگان و اهالی روستا با میانگین ۰/۱۲ کمترین میانگین را داشته اند. همچنین میانگین کل مولفه بهداشت که بعد اجتماعی را شامل می شود عدد ۱/۵۵ را نشان می دهد.

ذهنی (روانی)

این مولفه شامل: ۱- عدم رضایت از وضع موجود زندگی، ۲- نداشتن انگیزه برای بهبود وضعیت خود، ۳- عدم امید به بهتر شدن آینده، ۴- معتقد نبودن به ثروت و ثروتمندان، ۵- وجود حس محرومیت، ۶- اعتقاد به وجود بی عدالتی در حق خود بوده که نتایج تحقیق نشان می دهد که بیشترین میانگین وزنی برای متغیر عدم رضایت از وضع موجود زندگی با میانگین ۳/۹۸ و شاخص عدم امید به بهتر شدن آینده با میانگین ۲/۶۶ کمترین میانگین را داشته اند. همچنین میانگین کل مولفه ذهنی که بعد اجتماعی را شامل می شود عدد ۳/۳۴ را نشان می دهد. با توجه به میانگین وزنی استخراج شده هر روستا و تشکیل دیتا بیس موجود در پایگاه داده اطلاعاتی هر روستا، نقشه پراکندگی شاخص های فقر اجتماعی روستاهای شهرستان پاکدشت مورد مطالعه در پنج طیف در شکل شماره (۵) نشان داده شده است.

شکل ۵. نقشه پراکندگی فقر اجتماعی در روستاهای شهرستان پاکدشت



تحلیل‌ها نشان می‌دهد ۱۸ روستا در طیف فقر اجتماعی خیلی زیاد، ۱۱ روستا در طیف زیاد، ۵ روستا در طیف متوسط، ۴ روستا در طیف کم و ۹ روستا در طیف خیلی کم قرار گرفتند (جدول ۶).

جدول ۶. پراکندگی فقر اجتماعی در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان پاکدشت؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

جدول ۷. پراکندگی فقر روستایی در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان پاکدشت؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

ردیف	طبقات	تعداد روستاها
۱	خیلی زیاد	۸
۲	زیاد	۲۱
۳	متوسط	۸
۴	کم	۵
۵	خیلی کم	۵

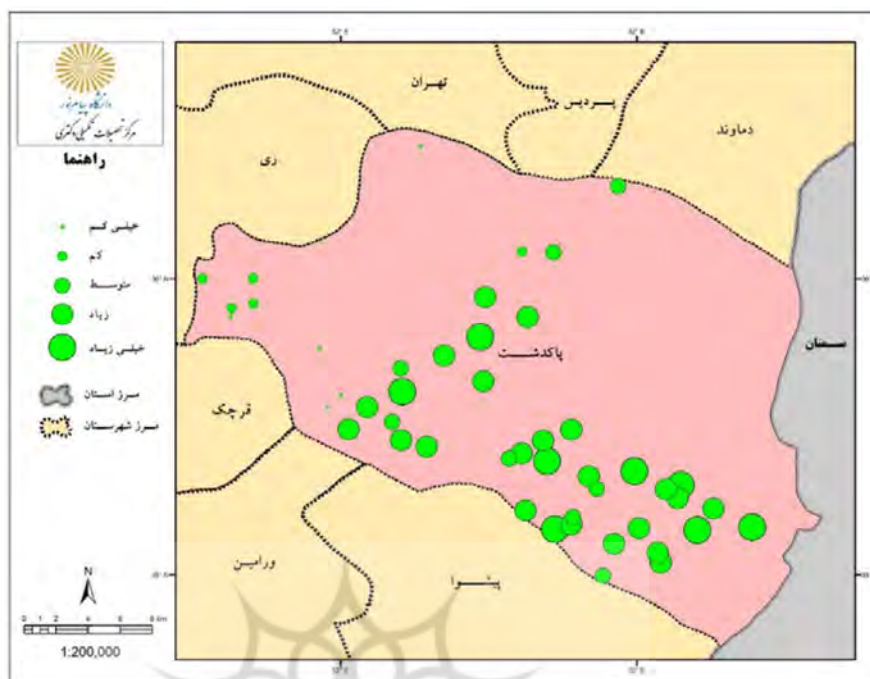
ردیف	طبقات	تعداد روستاها
۱	خیلی زیاد	۱۸
۲	زیاد	۱۱
۳	متوسط	۵
۴	کم	۴
۵	خیلی کم	۹

در این بخش پژوهش به واکاوی فضایی و استخراج الگوی فضایی توزیع فقر روستایی در فضا و استخراج خوشه‌ها و ناخوشه‌های فضایی فقر روستایی پرداخته می‌شود. از شاخص موران جهت تهیه نقشه‌ی کانون‌های فقیرنشین که همان فقر روستایی بالا و

نقشه نهایی فقر روستایی

با توجه به نقشه‌های تهیه شده در ابعاد ۴ گانه فقر در منطقه و طی جمع جبری فیلدهای ۴ گانه، اقدام به تهیه نقشه نهایی فقر روستایی در منطقه گردید که در این رابطه شکل شماره (۶) پراکنش فضایی فقر

شکل ۶. نقشه نهایی فقر روستایی در شهرستان پاکدشت



Low-Low: این مناطق دارای مناطق روستایی با فقر روستایی پایین با شاخص انگل و فقر روستایی پایین با شاخص‌های محلی می‌باشند و روستاهای این مناطق دارای شرایط مناسب بوده و به عنوان مناطق پایدار معرفی می‌گردند. ۵ روستای مورد مطالعه در منطقه دارای این شرایط می‌باشند. (علی آباد قیصریه، قشلاق فرون آباد، حاجی آباد املاک، قشلاق حاجی آباد، قشلاق قلعه نو املاک)

Low-High: این مناطق دارای مناطق روستایی با فقر روستایی با شاخص انگل پایین و فقر روستایی محلی بالا می‌باشند که نشان دهنده این واقعیت است که شاخص‌های محلی بهتر توانسته فقر روستایی را به تصویر بکشد. ۱۵ روستای مورد مطالعه در منطقه دارای این شرایط می‌باشند. (کبود گنبد، قلعه سادات، صفاییه، قلعه عارف، قشلاق کریم آباد، جامه کاران، حیدر آباد، قشلاق جلیل آباد، یام، حصار مهتر، خلیف آباد، عبدل آباد، قلعه عبدل آباد، کهریزک، مندکان)

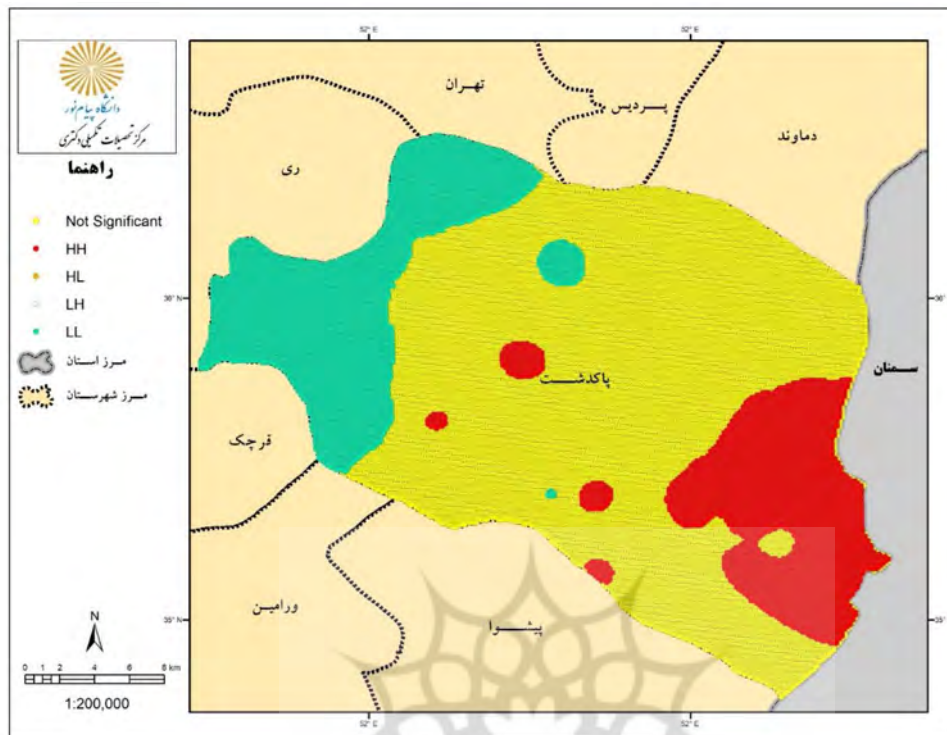
High-Low: این مناطق دارای مناطق روستایی با فقر روستایی با شاخص انگل بالا و فقر روستایی محلی پایین می‌باشند که نشان دهنده این واقعیت است که شاخص انگل توانسته فقر روستایی را به تصویر بکشد. دو روستای جیتو و توچال دارای این شرایط می‌باشند.

پایین می‌باشد استفاده گردید که نتایج نشان می‌دهد ۳ خوشه سرد (فقر روستایی پایین (LL)، و ۵ خوشه داغ (فقر روستایی بالا (HH) در منطقه شناسایی گردید که بزرگترین لکه داغ در جنوب شرق شهرستان و در نزدیکی سمنان قرار دارد و روستاهای قرار گرفته در این لکه دارای فقر روستایی بالایی هستند و در مجاور هم‌دیگر قرار گرفته اند و بزرگترین لکه سرد شمال غرب شهرستان و در نزدیکی شهرستان تهران و ری قرار گرفته است. (شکل ۷).

در این بخش تحقیق جهت واکاوی فضایی ارتباط فقر روستایی حاصل شاخص انگل و فقر روستایی حاصل تحلیل‌های شاخص مبنای محلی از آزمون موران دو متغیره در محیط GEODA_{TM} استفاده شده است. در این محیط امکان پایش فضایی دو متغیر وجود دارد و خروجی این نرم افزار تحلیل فضایی، ۴ خروجی می‌باشد:

High-High: این مناطق دارای مناطق روستایی با فقر روستایی بالا با شاخص انگل و فقر روستایی بالا با شاخص‌های محلی می‌باشند و روستاهای این مناطق شرایط بحرانی از لحاظ فقر روستایی دارند و به عنوان مناطق ناپایدار معرفی می‌گردند. ۵ روستای مورد مطالعه در منطقه دارای این شرایط می‌باشند (خسرو، عباس آباد ضرغام، کلین خالصه، کریم آباد و ابراهیم آباد).

شکل ۷. نقشه کانون‌های فقیرنشین (لکه‌های سرد و داغ) فقر روستایی در شهرستان پاکدشت



نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

افزایش رفاه اقتصادی مردم و کاهش فقر یکی از اهداف اصلی برنامه‌های توسعه اقتصادی در هر کشوری است. فقر از پدیده‌های نامطلوبی است که از آغاز زندگی بشر در این کره خاکی با وی قرین و هم‌نشین بوده است. پدیده فقرهنگامی که از نسلی به نسل دیگر تداوم یابد، ریشه دوانده و به صورت یک فرهنگ تبدیل شده و به عنوان مانعی پایدار در مقابل توسعه می‌گردد. تحلیل‌ها نشان می‌دهد ۸ روستا در طیف فقر خیلی زیاد، ۲۱ روستا در طیف زیاد، ۸ روستا در طیف متوسط، ۵ روستا در طیف کم و ۵ روستا در طیف خیلی کم قرار گرفتند. همچنین نتایج نشان می‌دهد ۳ خوشه سرد (فقر روستایی پایین LL)، و ۵ خوشه ی داغ (فقر روستایی بالا HH) در منطقه شناسایی گردید که بزرگترین لکه داغ در جنوب شرق شهرستان و در نزدیکی سمنان قرار دارد و روستاهای قرار گرفته در این لکه دارای فقر روستایی بالایی هستند و در مجاور هم‌دیگر قرار گرفته‌اند و بزرگترین لکه سرد شمال غرب شهرستان و در نزدیکی شهرستان تهران و ری قرار گرفته است. همچنین نتایج آزمون دو متغیره موران نشان می‌دهد: ۵

روستای (خسرو، عباس آباد ضرغام، کلین خالصه، کریم آباد و ابراهیم آباد) دارای مناطق روستایی با فقر روستایی بالا با شاخص انگل و فقر روستایی بالا با شاخص‌های محلی می‌باشند و روستاهای این مناطق شرایط بحرانی از لحاظ فقر روستایی دارند و به عنوان مناطق ناپایدار معرفی می‌گردند. ۵ روستای (علی آباد فیصریه، قشلاق فزون آباد، حاجی آباد املاک، قشلاق حاجی آباد، قشلاق قلعه نو املاک) مناطق روستایی با فقر روستایی پایین با شاخص انگل و فقر روستایی پایین با شاخص‌های محلی می‌باشند و روستاهای این مناطق دارای شرایط مناسب بوده و به عنوان مناطق پایدار معرفی می‌گردند؛ ۱۵ روستای (کیود گنبد، قلعه سادات، صفاییه، قلعه عارف، قشلاق کریم آباد، جامه کاران، حیدر آباد، قشلاق جلیل آباد، یام، حصار مهتر، خلیف آباد، عبدل آباد، قلعه عبدل آباد، کهریزک، مندکان) مناطق روستایی با فقر روستایی با شاخص انگل پایین و فقر روستایی محلی بالا می‌باشند که نشان دهنده این واقعیت است که شاخص‌های محلی بهتر توانسته فقر روستایی را به تصویر بکشد. دو روستای جیتو و توچال دارای مناطق روستایی با فقر روستایی با شاخص انگل بالا و فقر روستایی محلی پایین

می‌باشند که نشان دهنده این واقعیت است که شاخص انگل توانسته فقر روستایی را به تصویر بکشد.

منابع و ماخذ

۱. حیدریان، پیمان، رنگزن، کاظم، ملکی، سعید، تقی زاده، ایوب، عزیزی قلاتی، سارا (۱۳۹۳) مکان یابی محل دفن پسماند شهری با استفاده از مدل‌های Fuzzy - TOPSIS و Fuzzy - AHP در محیط GIS: مطالعه موردی شهر پاکدشت استان تهران، مجله بهداشت و توسعه، سال سوم، شماره ۱.

۲. راغفر، حسین (۱۳۸۴) ساختار قدرت در ایران؛ فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۷.
۳. زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۸۴) «فقر روستایی، روند و اندازه گیری آن در ایران»؛ فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۷.
۴. کاشی، خداداد (۱۳۸۱) «اندازه گیری شاخص‌های فقر در ایران»؛ پژوهشکده آمار ایران.
۵. محمودی، وحید و قاسم صمیمی فر (۱۳۸۴) «فقر قابلیت»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۷.
۶. سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵.
۷. فرمانداری شهرستان پاکدشت، گزارش سالانه، ۱۳۹۵.





پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی